

مغربی - حسین علی ابراهیمی مردی کهن سال است. چند سال قبل، درون چاله‌ای بزرگ در محدوده زندگی اش (منطقه پنجتن) افتاده است و از آن پس توانایی صحیح راه رفتن ندارد. آرام می‌آید و در نماز جماعت مسجد فاطمه الزهرا (س) واقع در شهرک خطیب شرکت می‌کند و با کمک عصایش به خانه برمی‌گردد. این مرد کهن سال، روزگاری در این محدوده شهری به گفته اهالی مسجد و دوستانش «اول کشتی گیر» بوده و در هر مجلسی و با هر کسی که ادعای کشتی داشته، سرشاخ می‌شده است. خودش می‌گوید، از زمانی که دوران نوجوانی را تمام کرده و پدر دوران جوانی گذاشته، پشتش به خاک نخورده است. در ادامه، گفتگوی رادریاره زندگی، ورزش، سخت‌کوشی و خاطراتش از کشتی خواهید خواند. اما قبل از گفتگویمان، لازم می‌دانم بگویم که استاد مهدی عباسی، نویسنده کتاب تاریخ کشتی ایران درباره واژه «چوخه» چنین نوشته است: «واژه چوخه در اصل واژه‌ای کردی است و به معنی ششل کوتاهی است که کشتی گیران آن را با شال سفید رنگی محکم می‌کنند. از آنجا که این ورزش از قدیم الایام در بین مردم کرد شمال خراسان مرسوم بوده، به این نام (کشتی با چوخه) معروف شده است.»

گفتگو با پیرترین

کشتی گیر شهرک خطیب

کشتی عشق است

سبزی کاری

محور کشاورزی در منطقه پنجتن است

ابراهیمی درباره وضعیت کشاورزی منطقه پنجتن می‌گوید: «الان بیشتر تمرکز اهالی در بخش سبزی کاری است. (با خنده می‌گوید) شاید صد رقم سبزی در این منطقه بکارند. از تره و جعفری و شاهی بگیرند تا هر رقم سبزی دیگر که بشود تصور کرد.»

او می‌گوید: «خوشبختانه وضعیت آبیاری زمین‌های کشاورزی هم خوب شده است و در دو سال اخیر، با استفاده از آب چاه موتور، دسترسی به آب پاکیزه برای کشاورزی امکان پذیر شده است و برخلاف بعضی مناطق که گفته می‌شود از آب فاضلاب خانگی و آلوده به صورت غیرقانونی برای آبیاری بهره‌برداری می‌شود، در این محدوده چنین اتفاقی نمی‌افتد. شهرداری هم بر این روال نظارت دارد.»

شناسنامه‌ام را خودم

گرفتم!

حسین علی ابراهیمی این روزها نه خوب می‌شنود و نه خوب راه می‌رود. آرام آرام به مسجد محله (مسجد فاطمه الزهرا (س)) می‌آید. بعد از نماز ظهر و عصر به واسطه حجت الاسلام خدادادی، امام جماعت مسجد با او آشنا شدم. سؤال هایم را هم دوستی (حاج اکبر توانگر) که کهن سال بوده اما کم سن تر از کشتی گیر دیروز است، با او در میان می‌گذارد و هر جافرا موشی به سراغ پیر مرد می‌آید، او جبران می‌کند. حسین علی ابراهیمی، سجلی قدیمی دارد و بر حسب آن بیانگر ۹۵ سالگی سن اوست اما در لابلای حرف‌هایش متوجه می‌شوم مدتی از سن او گذشته و خودش برای شناسنامه اقدام کرده است. او در پنجاه سالگی تجدید فراش کرده و حدوداً ۴۵ سال است که با همسر دومش زندگی می‌کند. پیش از این، در محله پنجتن آل عبا (التیمور سابق) سکونت داشته و در سال‌های اخیر، به شهرک خطیب نقل مکان کرده است. او درباره وضعیت حدوداً ۵۰ سال قبل منطقه پنجتن می‌گوید: «آن سال‌ها اینجا روستا بود و فراوانی. تا شهر حدوداً یک فرسخ راه بود و گاهی برای زیارت امام هشتم (ع) و دیدار خانواده و دوستانم، پیاده به شهر می‌رفتم.»

ابراهیمی درباره شغلش می‌گوید: «هر کاری را که در آن زحمت کشی بوده است، انجام دادم؛ از کارگری زراعت گرفته تا امور دام و لبنیات. مردم این حوالی از سال‌های دور در بخش زراعت و امور دامی مشغول بوده‌اند و هنوز هم اگر از این منطقه بازدید کنید، حتماً زمین‌های کشاورزی را خواهید دید.»